

دوستان تجربه پیدا کنند. فکر کردند که شروع دولت را با یک شیرینی خیلی خوب برای مردم داشته باشند که احساس می شود یک مقدار شتاب زده بوده است.

**آقای دکتر! برخی در کشور معتقدند در شرایطی که بن بست در سیاست خارجی رخ داده بود و فشارهای اقتصادی هم زیاد بود این توافق ژنو توانست فشارها را کم کند و روزه ای را باز کند که بتوانیم تعاملات خود با جهان را افزایش دهیم؟**

من این را به این شکل قبول ندارم. می توانیم با الفاظ به شکل دیگری بازی کنیم. مردم ما مردم مقاومی هستند و ۲ سال را باید گفت که ریاضت اقتصادی کشیده اند. متخصصان ما هم فرصتی پیدا کرده بودند که توانمندی های داخلی را از بالقوه به بالفعل تبدیل کنند و هم خود را برای جهش های بزرگتری آماده کنند. فشارهایی که دشمن آورد را من در انتخابات ۲۴ خرداد می بینم. یعنی دوستان ما که می فرمایند پیام ۲۴ خرداد را گرفتید یا نه؟ این جمله خیلی جاها گفته شد. مثل آن پیام دوم خرداد. یعنی این افرا ده به نحوی می خواهند حماسه های مردم را در یک جریان خاص انحصاری کنند. من توصیه می کنم که از دوم خرداد عبرت بگیرید. مراقب باشید که ۲۴ خرداد شمارا غر نکند. این اتفاقات همه به مردم تعلق دارد. این روزها روزهایی است که خداوند در آن دخالت می کند و مردم ثبات سیاسی نظام را نشان می دهند. یعنی از این که مردم در انتخابات شرکت می کنند و ثبات کشور را نشان می دهند باید استقبال کنیم و عبرت بگیریم. مردم در مقابل دولت یک اتوبان باز کرده اند. آن هم با وجود تحریم ها و فشارها. من اسم این را بن بست نمی گذارم. ما داشتیم پیشرفت می کردیم...

**اما در حوزه سیاست خارجی و تعاملات با کشورهای دیگر دچار مشکل بودیم...**

ما کشور قدرتمندی هستیم و تبدیل به قدرت منطقه ای شدیم در چند سال گذشته. معضلات و نارسایی هایی در داخل کشور داریم اما این ها نباید ما را از اهداف مان غافل کند. استقامت مردم و ثبات سیاسی که ۳۵ سال جمهوری اسلامی حتی در زمان جنگ تحمیلی به جهان نشان داد یک دموکراسی جدید بود. این مقاومت ها و ثبات سیاسی یک اتوبان مقابل دولت گذاشته بود. سوال این است که آیا دولت می خواهد در این اتوبان با صندلی چرخدار حرکت کند یا با یک اتومبیل خوب با سرعت بالا؟ این ها به بضاعت و ظرفیت های خودشان مربوط است. این را باید خودشان نشان دهند. این بضاعت را من در توزیع سبد کالاندیدم و به شخصه احساس تحقیر کردم. این که رسانه های بیگانه تصاویر مردم نجیب ایران هنگام توزیع سبد کالا را با سخنرانی امام را حل در ابتدای انقلاب به طور همزمان پخش کردند باعث شد اتفاق در شان مردم ایران نباشد. به همین جهت دولت باید همین شعار اعتدال را به خود یادآوری کنند و مثل توافق ژنو شتاب زده عمل نکنند. باید اجازه می دادند که متخصصان جامعه درباره آن نظر بدهند. قبل از این که آقای روحانی دولت را تحویل بگیرد من خدمت ایشان رفتم و وضعیت صنعت هسته ای را با جزئیات کامل گزارش کردم. به آقای ظریف هم در دو جلسه جداگانه بحث شد. سوال این است که آن فردی که تعیین شده بود که به آقای ظریف اطلاعات روز را ارائه کند آیا باید یک روز بعد از آغاز دولت روحانی برکنار شود؟ این یعنی اعتدال؟ دولت آقای روحانی همه همکاری ما را قطع کرد و همه کسانی که می توانستند در تفاهمنامه به آن ها کمک کنند را کنار گذاشتند.

**یعنی از آن نیروها استفاده نشد؟**

نه اصلا. من درباره خودم صحبت نمی کنم. من معاون آقای احمدی نژاد بودم و چون دوران وی تمام شده قاعدتا کار من هم تمام است و باید بروم اما کسی که تعیین شده بود که به آقای ظریف اطلاعات بدهد و جزئیات را ارائه کند آیا باید برکنار شود؟ به همین جهت من دولت را به اعتدال توصیه می کنم. دولت باید در این گونه موارد تامل کند نه این که مانند یک کشور فاتح در مقابل یک کشور مغلوب رفتار کنیم.

**در حوزه هسته ای چنین اتفاقی افتاد؟**



آن روز در آن مناظره انتخاباتی، تصور من این است که صداقت آن «ژنرال» بیشتر از «حقوقدان» بود.

بله. من کاری به تغییر مدیران ندارم. اگر تغییر مدیران از روی اعتدال و منطق باشد نه تنها بد نیست که لازم است اما حرف من این است که وقتی شروع یک کار شتاب زده است نتیجه هم همین می شود. به خصوص در حوزه هسته ای باید با تامل بیشتری عمل می کردیم و اجازه می دادیم آن هایی که در مذاکرات حضور داشته اند می مانند.

ببینید! اسم من در قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت آمده است و اکنون هم اصلا دنبال مسئولیت نیستم و در شرایط فعلی خدا را شکر می کنم که مسئول نیستم که این فتح و پیروزی به نام من تمام شود! اما سوال می کنم که چرا من به عنوان رئیس سازمان انرژی اتمی انتخاب شدم؟ پاسخ من این است که چون ترور شدم به ریاست سازمان انتخاب شدم که ایران بگوید این ترورها اهمیتی ندارد و کار را تغییر نمی دهد. بسیار خب! من سانتریفیوژها را افزایش دادم. در دوره خدمت من رآکتور بوشهر راه اندازی و مقدماتی شد. روند امضای قرارداد با روس ها برای نیروگاه های جدید آغاز شده بود. اکنون این پرسش مطرح می شود که ما به ازای تغییر من چه بود؟ یعنی در ازای کنار گذاشتن مدیری که ترور شده است چه ما به ازایی گرفتیم؟ فرض کنیم به خاطر این که نام من در قطعنامه سازمان ملل بود و حساسیت برانگیز است، دولت برای کاهش حساسیت ها قصد داشت من را تعویض کند. حالا این مهم است که این تعویض در قبال چه امتیازی انجام شود. مثلاً آیا این تغییر آنقدر مهم نبود که با تعویض بانک مرکزی هم وزن باشد؟ واقعا باید اینقدر شتاب زده کارها انجام می شد؟ ای کاش در قبال این کارها ما به ازایی هم می گرفتند...

**شاید بحث «کم سوادی» مطرح بوده است...**

درباره این موضوع «کم سوادی» حرف من این است که ما باید احترام رئیس جمهور محترم را حفظ کنیم. روی ایشان فشار زیادی است. هر کس ممکن است جمله ای را بگوید که فعل و فاعل آن جا به جا شود. بالاخره در جملات محاوره ای ممکن است کلمات جا به جا شود. به این برادران بزرگوار هم باید بگوییم شما هم حواستان باشد که چه کلامی می گویند. مثلاً این بحث «سرهنگ» و «حقوقدان» که گفته شد جالب نبود. آن روز در آن مناظره انتخاباتی، تصور من این است که صداقت آن ژنرال بیشتر از حقوقدان بود و احت حرفش را می زد. او سرهنگ نبود، بلکه ژنرال بود. در جامعه ما هم عده زیادی سرهنگ هستند و این که به نظامیان نباید احترام بگذاریم

مخصوص جهان سومی هاست که نتیجه القابات غرب است. به همین دلیل بخش هایی از جامعه سیاسی با نظامیان برخورد خوبی ندارند. اما واقعیت این است که اگر همین نظامیان نبودند ما چطور می توانستیم از کشور دفاع کنیم؟ چطور در بحران ها انتظار داریم سرهنگ ها مسئله را حل کنند؟ مثلاً در همین برف زمستان در شمال دیدید که «سرهنگ» های ارتش و سپاه به کمک مردم رفتند. این ها ادبیات کسانی است که می خواهند ادای روشنفکری در بیاورند. این در حالی است که در همان غرب این شرایط اصلاً وجود ندارد و آن ها به نظامیان خود بسیار احترام می گذارند چون می دانند که ثبات کشور شان توسط همین افراد تامین می شود. این هایی که این حرف ها را علیه نظامیان می زنند مثل این است که هنوز در دوران مصدق زندگی می کنند و ذهن های شان فریز شده است. به این ها باید توصیه کنیم که عوض شوند و فهمی که مردم پیدا کرده اند را بفهمند. این نوع ادبیات ها باید عوض شود به خصوص آن هایی که در راس کشور هستند. این شامل خود من هم می شود و من هم اگر جمله ای گفته ام که باعث آزرده خاطری شده است عذرخواهی می کنم.

**اگر اجازه بدید به بحث توافق ژنو باز گردیم با این سوال که آیا در کشور رآکتورهایی داریم که نیاز به اورانیوم با غنای بین ۵ تا ۲۰ درصد داشته باشند؟**

ببینید! در اصفهان رآکتور مینیاتوری داریم که مصرف آن ۹۰

**درباره این موضوع «کم سوادی» حرف من این است که ما باید احترام رئیس جمهور محترم را حفظ کنیم. روی ایشان فشار زیادی است. هر کس ممکن است جمله ای را بگوید که فعل و فاعل آن جا به جا شود**